



Conceptology of Progressive Realization of the Right to Food the Contour between Food Security and Food Sovereignty

Hanieh Moghani¹, Alireza Zaheri^{1*}, Hossein Sharifi Tarazkouhi²

1. Department of International Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Department of Law, Emam Hossain University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: International law, like other branches of law, does not emerge from a vacuum and does not necessarily appear loudly in the world of law. Rather, it is often revealed as a result of the imperceptible development of the values of a society as a result of new and deep-rooted ideas and turns into values that are a prerequisite for the development of social awareness; Until an inviolable belief based on confirming its legitimacy and legality is created. In this way, the "pre-normative" elements of international law, such as the interpretation of prominent non-state and non-judicial actors, including soft law documents, even if they do not constitute enforceable norms, are effective to the extent that they can be clearly witnessed in practice within the scope of the right to food. The role of different actors in expanding the information about the right to food to gain support for this kind of right and to strengthen this right in the main discourse and human rights is bold. This influence can be clearly seen in the development of the scope of the concept of the right to food to realize the progressive realization of this right by applying the theory of change and democratizing the realization of the human right to food.

Methods: This research is of a theoretical type and the research method is descriptive and analytical and the method of collecting information is library and it was done by referring to documents, books and articles.

Ethical Considerations: In this research, the principles of trustworthiness, honesty, neutrality and originality of the work have been observed.

Results: The realization of the right to food requires the adoption of a sustainable approach in production and distribution; this is achieved when, contrary to the previously established rules, based on the theory of change, a bottom-up approach replaces the dominant top-down approach in decision-making.

Conclusion: To further democratize the realization of the human right to food and human access to healthy and sustainable food, it is necessary to transition from the approach of food security to food governance, which leaves decision-making from farm to fork in the hands of the main stakeholders (consumers).

Keywords: Right to Food; Food Security; Food Sovereignty; Theory of Change; Democratizing the Right to Food

Corresponding Author: Alireza Zaheri; **Email:** azaheri878@gmail.com

Received: September 08, 2022; **Accepted:** December 02, 2022; **Published Online:** May 27, 2023

Please cite this article as:

Moghani H, Zaheri A, Sharifi Tarazkouhi H. Conceptology of Progressive Realization of the Right to Food the Contour between Food Security and Food Sovereignty. *Medical Law Journal*. 2023; 17(58): e1.



انجمن علمی حقوق پزشکی ایران

مجله حقوق پزشکی

دوره هفدهم، شماره پنجاه و هشتم، ۱۴۰۲

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>

انجمن علمی حقوق سلامت

مفهوم‌شناسی تحقق مترقی حق بر غذا: حد فاصل امنیت غذایی و حاکمیت غذایی

هانیه مغانی^۱، علیرضا ظاهری^{۱*}، حسین شریفی طرازکوهی^۲

۱. گروه حقوق بین‌الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. گروه حقوق، دانشگاه امام حسین (ع)، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: حقوق بین‌الملل همانند دیگر شاخه‌های حقوق از خلأ ناشی نمی‌شود و لزوماً هم به صورت پرسر و صدا در عالم حقوق چهره‌نمایی نمی‌کند، بلکه اغلب در نتیجه توسعه نامحسوس ارزش‌های یک جامعه در اثر ایده‌های جدید و ریشه‌دار، هویدا شده و به ارزش‌هایی بدل می‌شود که پیش‌نیاز رشد آگاهی اجتماعی هستند تا بدانجا که اعتقادی غیر قابل نقض قائم بر تأیید مشروعیت و قانونیت آن ایجاد می‌شود، بدین ترتیب عناصر «پیش‌هنجاری» حقوق بین‌الملل، مانند تفسیر بازیگران غیر دولتی و غیر قضایی برجسته، از جمله اسناد حقوق نرم، حتی اگر هنجارهای لازم‌الاجرا تشکیل نداده باشند، تا بدانجا کارایی دارند که بتوان آن‌ها را عملاً در محدوده حق بر غذا به وضوح شاهد بود. نقش بازیگران مختلف در بسط اطلاعات مربوط به حق بر غذا به منظور جلب حمایت برای این دست از حقوق و همچنین تقویت این حق در گفت‌وگوهای اصلی و حقوق بشر پررنگ است. این اثرگذاری را به وضوح می‌توان در توسعه دامنه مفهوم حق بر غذا به منظور تحقق مترقی این حق با اعمال تئوری تغییر و هرچه دموکراتیزه کردن تحقق این حق بشری از ابتدای طرح مفهوم تاکنون در عرصه حقوق و سیاست دید. چنین گذاری عمده‌تاً از رهگذر مفهوم پذیرفته‌شده امنیت غذایی به مفهوم رادیکال حاکمیت غذایی با محوریت تحقق مترقی حق بر غذا رخ داده است.

روش: این تحقیق از نوع نظری بوده و روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی است و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تحقیق حاضر، اصل امانتداری، صداقت، بی‌طرفی و اصالت اثر رعایت شده است.

یافته‌ها: تحقق حق بر غذا نیازمند اتخاذ رویکرد پایداری در تولید و توزیع است، این امر زمانی محقق می‌شود که برخلاف قواعد وضع‌شده پیشین، با ابتنای بر تئوری تغییر، رویکرد از پایین به بالا، جایگزین رویکرد غالب از بالا به پایین در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری شود.

نتیجه‌گیری: به منظور هرچه دموکراتیزه کردن تحقق حق بشری بر غذا و دسترسی بشر به غذای سالم و پایدار، گذار از رویکرد امنیت غذایی به سمت حاکمیت غذایی که تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری از مزرعه تا سفره را به دست اصلی‌ترین گروه‌داران (مصرف‌کنندگان) می‌سپارد، ضروری می‌نماید.

واژگان کلیدی: حق بر غذا؛ امنیت غذایی؛ حاکمیت غذایی؛ تئوری تغییر؛ دموکراتیزه‌شدن حق بر غذا

نویسنده مسئول: علیرضا ظاهری؛ پست الکترونیک: azaheri878@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۱؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۳/۰۶

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Moghani H, Zaheri A, Sharifi Tarazkouhi H. Conceptology of Progressive Realization of the Right to Food the Contour between Food Security and Food Sovereignty. Medical Law Journal. 2023; 17(58): e1.

مقدمه

تا مدت‌ها رویکردهای تحقق حق بر غذا به طور گسترده‌ای به افزایش بهره‌وری کشاورزی و تولید محدود بوده و توسط سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌ها دنبال می‌شده است. این در حالی است که از زمان اتخاذ این رویکرد پس از انقلاب صنعتی نه تنها تعداد گرسنگان و افراد دچار سوء‌تغذیه کاهش نیافته، بلکه تعداد مطلق افرادی که از گرسنگی و سوء‌تغذیه رنج می‌برند، به طور قابل توجهی در حال افزایش است. رویکردهای حقوقی، از سیاست‌های دولت‌ها یا سایر نهادها تا حمایت‌های مردمی و مداخلات بازیگران غیر دولتی، زندگی و معیشت مردم و همچنین تحقق حقوق مختلف آن‌ها، از جمله حق بر غذا را تحت تأثیر قرار می‌دهند. زمانی که تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری توسط گروداران اصلی مرتبط با امری صورت می‌گیرد، از آنجایی که رویکردی از پایین به بالا است، حقوق و تعهدات ناشی از آن می‌تواند به صورت مترقیانه‌تری تحقق یابد، هرچند که حق بر غذا توسط ابزار حقوقی مناسبی به صورت الزام‌آور تدوین شده است، اما از آنجایی که این حق از سویی حد فاصل تعهد به وسیله و نتیجه و از سوی دیگر حد فاصل حق فردی و حق جمعی است، بدین ترتیب یک رویکرد جایگزین برای تحقق مترقی حق بر غذا که مبتنی بر تئوری تغییر است، با توسعه مفهومی حق بر غذا در جهت هرچه دموکراتیزه کردن فرایند تولید و توزیع غذا درصدد تعیین کلان‌روایتی که حق بشری بر غذای پایدار و سالم را تضمین نماید، لازم است. این مهم از رهگذر توسعه مفهومی حق بر غذا با ابتدای بر دو مفهوم پیشرو، یعنی امنیت غذایی و حاکمیت غذایی صورت می‌پذیرد.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

روش

این تحقیق از نوع نظری بوده و روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی است و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

یافته‌ها

تحقق حق بر غذا نیازمند اتخاذ رویکرد پایداری در تولید و توزیع است، این امر زمانی محقق می‌شود که بر خلاف قواعد وضع شده پیشین، با ابتدای بر تئوری تغییر، رویکرد از پایین به بالا، جایگزین رویکرد غالب از بالا به پایین در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری شود.

بحث

۱. تبارشناسی حق بر غذا: حقوق جدید به ویژه حقوق بشری هیچ‌گاه بدون پیش‌زمینه به وجود نمی‌آیند. آن‌ها در یک عرصه مفهومی تدوین می‌شوند که خواستگاه حقوق بشر مدون موجود، در آن حاکم است. اغلب، تبارشناسی حق بر غذا را از دوران حقوق بشری مدرن که با امضای منشور سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ و تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشری (۱) توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸ آغاز شد، دنبال می‌کنند. این در حالی است که این تصور اشتباه است؛ همانطور که تصور اینکه حقوق بشری به طور معناداری در سال ۱۹۴۸ متولد شد، تصور درستی نیست، چراکه حق بر غذا قدمتی به اندازه خود بشریت دارد و احتمالاً بنیادی‌ترین حق همه بشر محسوب می‌شود. حق بر غذا پیش‌تر و با نزع حقوق بشری اولیه شناسایی شد و در ابتدا با عناوین کلی «حق حیات»، «حق گرسنه‌نبودن» یا «حق رهایی از گرسنگی» شناخته می‌شد، اصطلاحاتی که امروزه به طور گسترده توسط سازمان غذا و کشاورزی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

حق بر غذا را در زمره حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حقوق بشری دسته‌بندی می‌کنند (۲). حقوق‌دانان بین‌المللی که متخصصان شهره حقوق بشری هستند، ریشه حقوق

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را به تجزیه و تحلیل‌های فلسفی و نظریه‌های سیاسی نویسندگانی همچون توماس پین، کارل مارکس، امانوئل کانت و جان رالز (Thomas Paine, Karl Marx, Immanuel Kant & John Rawls) پیوند می‌دهند (۳). سایر حقوق‌دانان، ظهور حقوق اجتماعی را با گذار از فئودالیسم به سرمایه‌داری مرتبط می‌دانند (۴). حقوق اجتماعی از دهه ۱۸۸۰ به بعد از حمایت بیشتری برخوردار شد و در سال‌های میان دو جنگ جهانی، سازمان بین‌المللی کار، حداقل استانداردهای بین‌المللی را در رابطه با طیف گسترده‌ای از حقوقی که اکنون تحت عنوان حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شناخته می‌شوند، تصویب کرد. با این وجود باید بیان داشت که نطفه حق بر غذا در سخنرانی معروف فرانکلین دلانو روزولت (Franklin Delano Roosevelt)، رییس‌جمهور وقت آمریکا در سال ۱۹۴۱ و با بیان «چهار آزادی» منعقد شد. وی در این سخنرانی، منتظر دنیایی بود که بر پایه چهار آزادی اساسی بشر بنا شده باشد: «آزادی بیان، آزادی پرستش، رهایی (آزادی) از نیاز و رهایی (آزادی) از ترس». این چهار آزادی را به دلیل ارائه مفهومی جامع از حقوق بشری به عنوان منبع برداشت‌های معاصر از حقوق بشر تلقی می‌کنند (۵). آزادی‌هایی که متعاقباً در اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ ذکر شد.

حق بر غذا برای نخستین بار در ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸، به عنوان یکی از ابعاد «حق برخورداری از سطح زندگی، سلامت و رفاه مناسب» بیان شد. پس از آن حق بر غذا به ترتیب در مواد ۲۶ و ۵۱ کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ راجع به رفتار با اسرای جنگی (۶)، مواد ۲۳ و ۵۵ کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ راجع به حمایت از غیر نظامیان در زمان مخاصمات (۷)، مواد ۵۴، ۶۹ و ۷۰ پروتکل اول الحاقی و مواد ۱۴ و ۱۵ پروتکل دوم الحاقی بر کنوانسیون‌های ژنو (۸) مورد اشاره واقع شد. همچنین به این حق در کنوانسیون ۱۹۵۱ راجع به وضعیت پناهندگان (۹)، کنوانسیون ۱۹۵۴ راجع به وضعیت اشخاص بی‌تابعیت (۱۰)، مواد ۱۲ و ۱۴ کنوانسیون ۱۹۷۹ راجع به محو تمامی اشکال تبعیض علیه زنان (۱۱) و

اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (۱۲) اشاره شده است. دامنه حق بر غذا در سال ۱۹۸۹ به گونه‌ای گسترش یافت که به موجب مواد ۲۴ و ۲۷ کنوانسیون حقوق کودک (۱۳)، دولت‌ها به طور مجزا بر اساسی بودن حق بر «غذای کافی و مغذی» از منظر حق کودک بر سلامت «فیزیکی، ذهنی، روحی معنوی، اخلاقی و اجتماعی» اش، صحه گذاشتند. کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت (۱۴) که در سال ۲۰۰۷ تصویب و در سال ۲۰۰۸ لازم‌الاجرا شد، نیز در زمره جدیدترین اسناد بین‌المللی قرار دارد که به این حق در ماده ۲۸ خود از منظر حقوق افراد دارای معلولیت به برخورداری از زندگی استاندارد و حق بر غذای مناسب، اشاره می‌کند. حق بر غذا به طور برجسته و در میان نسل‌های حقوق بشری (۱۵) در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۶) به عنوان مهم‌ترین سندی که به این موضوع اشاره دارد، بیان شد. این میثاق نهایتاً در سوم ژانویه ۱۹۷۶ لازم‌الاجرا شد. این میثاق حق مطلق و «اساسی رهایی از گرسنگی» را به رسمیت شناخت و امضاکنندگان آن به طور جداگانه و همچنین از طریق همکاری بین‌المللی متعهد شدند که کلیه اقدامات لازم را برای اجرای آن انجام دهند (ماده ۱۱). این تأکید بر گرسنگی همچنین حاکی از تمرکز بر دسترسی به غذا در این مطالعه است که به دلیل دغدغه غالب در کشورهای در حال توسعه است. بنابراین مسائل مربوط به کیفیت غذا یا مقبولیت که در بسیاری از کشورهای صنعتی دغدغه اصلی محسوب می‌شود، چندان مورد توجه نخواهد بود. در ۵ می سال ۲۰۱۳، پروتکل اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۷) لازم‌الاجرا شد. در این پروتکل که در سال ۲۰۰۸ تصویب شده بود، بیان شد که قربانیان نقض هر یک از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مقرر در میثاق، از جمله قربانیان نقض حق بر غذای کافی، بتوانند تحت نظارت دولت‌ها، دادخواهی کنند. علاوه بر معاهدات بین‌المللی، حق بر غذا همچنین در دستورالعمل‌های سازمان ملل متحد برای حمایت از مصرف‌کننده (۱۸) قید شده است. این دستورالعمل‌ها حقوق مصرف‌کنندگان را نسبت به نیازهای اساسی، از جمله

ویا کامپسینا برگزار شد و در این نشست، فیان اصرار داشت که «محرومیت از دسترسی به منابع تولید، نقض حقوق اساسی بشری است» (۲۱).

توجه فعالان حوزه حق بر غذا به تهدیدهای پیش روی جوامع دهقانی در کشورهای جنوب، با واقعیت‌های فقرزدایی جهانی (۲۲) جنگ جهانی و پس از جنگ جهانی دوم و پیامدهای ویرانگر آن همسو بود. همبستگی آن‌ها با جوامع جنوب که با اخراج و سرکوب مواجه هستند، همراه با چاشنی پوپولیستی زراعی بود. فعالان فیان احساس می‌کردند که حق بر غذا می‌تواند «بازیگران مختلف را از طریق رویکرد حقوق بشری به یکدیگر پیوند بزند» و از این طریق «امنیت غذایی، حاکمیت غذایی، امنیت فرهنگی و امنیت مالکیت» تقویت می‌شود. آن‌ها امیدوار بودند که حقوق اقتصادی و اجتماعی اساساً در چارچوب جنبش‌های جمعی مورد توجه قرار گیرد.

با بیان این تلاش‌هایی که در سطح بین‌المللی در خصوص توسعه مفهوم حق بر غذا صورت گرفته است، اکنون زمان آن است که به سراغ مفاهیمی برویم که به موازات حق بر غذا مطرح شدند و شناخت و تحقق آن‌ها از آنجایی که دارای مؤلفه‌های مشترک با حق بر غذا هستند، علاوه بر تحقق حق بر غذا به توسعه مفهوم آن نیز کمک کرد. این دو مفهوم عبارتند از: ۱- امنیت غذایی؛ ۲- حاکمیت غذا.

۳. توسعه مفهوم حق بر غذا از منظر امنیت غذایی: کمیته اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل متحد، تفسیر عمومی شماره ۱۲ خود را که به طور مفصل و طی ۸ صفحه نگاشته شده، در مورد حق بر غذای کافی، با هدف صریح «توجه ویژه به برنامه اقدام اجلاس جهانی غذا» برای نظارت بر اجرای اقدامات خاص پیش‌بینی‌شده در ماده ۱۱ میثاق، در آوریل ۱۹۹۹ به تصویب رساند. تفسیر عمومی شماره ۱۲ به درک بهتر تعهدات دولت‌ها نسبت به احترام، حمایت و تحقق حق بر غذا و مسئولیت اشخاص ثالث در رابطه با حق بر غذا کمک کرد. به بیان دیگر، این تفسیر عمومی به تعریف محتوای اصلی حق بر غذا و چگونگی تحقق این حق در داخل دولت‌ها کمک کرد. از منظر تفسیر عمومی شماره ۱۲،

حق بر غذا و آب، حق جبران خسارت، حق تحصیل و حق برخورداری از یک محیط زیست سالم مورد شناسایی قرار داده است. این دستورالعمل‌ها همچنین حقوق مصرف‌کنندگان را در خصوص ایمنی، به آن‌ها اطلاع می‌دهد (۱۹)، حقوقی که پیشتر از طریق لایحه حقوق مصرف‌کنندگان ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۶۲ معرفی شده بود (۲۰).

۲. گذار از مفهوم حق بر غذا: بازیگران غیر دولتی و غیر قضایی، مانند محققان، گزارشگران ویژه و سازمان‌ها، زمینه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را شاید بیش از هر حوزه دیگری از حقوق بین‌الملل شکل داده‌اند، هرچند که در ابتدا آنچه که ایجاد کرده‌اند جنبه لازم‌الاجرا ندارد. پس از ورود مفهوم حق بر غذا در اسناد بین‌المللی، این مفهوم در بازه زمانی تصویب میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سال ۱۹۷۶ تا تصویب «دستورالعمل‌های داوطلبانه برای حمایت از تحقق مترقی حق بر غذای کافی در چارچوب امنیت ملی غذا» توسط شورای فائو در سال ۲۰۰۴، دستخوش تفسیرها و توسعه مفهومی شدیدی قرار گرفت.

تعداد زیادی از پیشرفت‌هایی از این دست، توسط سازمان ملل متحد اتفاق افتاد. در سال ۱۹۷۹، شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد (اکوسوک) نظارت بر حق بر غذا را آغاز کرد. پس از آن و در اوایل دهه ۱۹۸۰، تعدادی از گروه‌های جامعه مدنی نیز فعالیت خود را در مورد حقوق خاص اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آغاز کردند. سازمان‌های کوچک، ابتدا در قالب سازمان‌های غیر دولتی بین‌المللی فعالیت خود را در این زمینه شروع نمودند. یکی از این سازمان‌ها که به طور خاص بر روی حق بر غذا متمرکز شده بود، شبکه اطلاع‌رسانی و اقدام برای غذا (فیان) بود. فعالان فیان تأکید زیادی بر وضعیت فقیران روستایی (و به خصوص کشاورزان کوچک‌مقیاس) که عمده جمعیت دچار گرسنگی و سوءتغذیه را تشکیل می‌دهند و در عین حال ۷۰ درصد غذای جهان را تأمین می‌کنند دارد و بر اهمیت تضمین دسترسی به وسایل تولید مواد غذایی، مانند زمین، آب و منابع طبیعی دیگر تأکید می‌ورزد. در سال ۱۹۹۷، یک نشست داخلی بین فیان و

فقیر درآمد همراه دارد و به آن‌ها کمک می‌کند تا از فقر رهایی یابند و با تولید غذای بیشتر، جهان را از شر گرسنگی برهانند. افزایش عملکرد زمین‌های کشاورزی بزرگ‌تر و صنعتی‌تر و افزایش عرضه غلات باعث شد بسیاری به این باور برسند که انقلاب سبز مزایایی برای جهان سوم به ارمغان آورده است (۲۵). از سوی دیگر برخی معتقد بودند که مزایای انقلاب سبز به طور یکنواخت توزیع نمی‌شود. آن‌ها اعمال سیاست‌های جدید کشاورزی را مسبب تشدید مشکل جهانی غذا می‌دانستند و ادعا می‌کردند که بسیاری از کشاورزان کوچک‌مقیاس به دلیل اعمال تکنیک‌های صرفه‌جویانه در نیروی کار و نهاده‌های کشاورزی و همچنین رسوخ گسترده کشاورزی صنعتی، در حال نابودی هستند. علاوه بر این، قدرت خرید اقتصادی بیشتر در بین نخبگان متمرکز شد و باعث افزایش تعداد افراد دچار گرسنگی و ناامنی غذایی در سراسر جهان شد.

اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی بود که یک دوره موازی، این بار با تمرکز بر بخش تقاضا، دغدغه‌های طرف عرضه را بازتولید کرد. در سال ۱۹۹۳ سازمان غذا و کشاورزی امنیت غذایی را بازتعریف کرد و با تأکید بر افزایش دسترسی به جای افزایش تولید مواد غذایی، به ویژه تحت تأثیر کارها و آموزه‌های آمارتیا سن که معتقد بود فرایندهای بازار آزاد باعث ایجاد قحطی قهری به جای اصلاح می‌شود، امنیت غذایی را هدف قرار داد. رهبران جهان و متخصصان غذا در اجلاس جهانی غذا در سال ۱۹۹۶ در خصوص حق بر غذا تجدید نظر کردند و تعهد بلندپروازانه کاهش تعداد افراد گرسنه و سوءتغذیه را تا سال ۲۰۱۵ مد نظر قرار دادند (۲۶)، البته که نمایندگان شرکت‌کننده در اجلاس رم هرگز انتظار افزایش قیمت مواد غذایی و کمبود مواد غذایی در هزاره جدید را نداشتند. مقصود مشترک بین شرکت‌کنندگان در این اجلاس این بود که وضعیت تغذیه‌ای اقشار آسیب‌پذیر و افراد، بسیار پیچیده‌تر از آنچه پیش‌تر تصور می‌شد، است. نمایندگان در این نشست معتقد بودند که گرسنگی و ناامنی غذایی شرایط پیچیده‌ای است که به صورت متفاوتی تجربه شده و ناشی از نیروهای اجتماعی، سیاسی،

حق بر غذا، اساس سایر حقوق بشر است و باید به طور موسع تفسیر شود، بدین معنی که حق بر غذا، ورای «حداقل کالری، پروتئین و سایر مواد مغذی خاص» است. تفسیر عمومی شماره ۱۲ توضیح می‌دهد که حق بر خورداری از غذای کافی، هرچند که از هم متمایز باشند، با امنیت غذایی ارتباط نزدیکی دارد. پس از آن دستورالعمل‌های داوطلبانه فائو در خصوص حق بر غذا نیز، دو مفهوم حق بر غذای کافی و امنیت غذایی را در کنار یکدیگر مطرح کرد، در حالی که کفایت تا حد زیادی توسط شرایط غالب اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، اقلیمی، اکولوژیکی و سایر موارد تعیین می‌شود، امنیت شامل مدت طولانی موجود بودن غذا و دسترسی به غذا است. رویکرد حق بر غذای امنیت غذایی بر این مهم استوار است که جهان گرسنه نیازمند بهبود در دسترسی به غذا به ویژه برای اقشار آسیب‌پذیر است. در واقع مدافعان حق بر غذا که رویکردشان به این حق از منظر امنیت غذایی است، استدلال می‌کنند که عدم دسترسی به مواد غذایی، تقریباً هیچ‌گاه نتیجه کمبود عمومی مواد غذایی نیست. در عوض، انسان‌ها به این دلیل از غذا محروم می‌شوند که فرصت تولید ندارند، نمی‌توانند درآمد کافی برای خرید مواد غذایی مورد نیاز خود داشته باشند یا اصلاً قادر به کارکردن نیستند (۲۳).

مفهوم «امنیت غذایی» به طور رسمی برای اولین بار در نخستین کنفرانس جهانی غذا در ۱۹۷۴ مورد استفاده قرار گرفت (۲۴). سیاست‌های کشاورزی مشخص‌شده توسط انقلاب سبز راهکارهای مختلفی برای کاهش ناامنی غذایی را به طور مشخص پیشنهاد می‌داد. یکی از مفروضات اصلی این سیاست‌ها این بود که افزایش بهره‌وری یا افزایش عرضه محصولات زراعی منجر به بهبود وضعیت معیشت اقتصادی خواهد شد. این انقلاب افزایش بهره‌وری کشاورزی را در اثر تحویل نهاده‌های بیشتر کشاورزی به کشاورزان فقیر در جهان سوم، پیش‌بینی می‌کرد.

عملکرد بالای زمین‌های زراعی برای تأمین مواد غذایی کافی برای جمعیت رو به افزایش و انقلاب سبز موفقیت تلقی می‌شد. فرض بر این بود که این بازده بالاتر برای کشاورزان

چراکه فائو امنیت تغذیه را در صورت حصول وضعیتی محقق می‌داند که دسترسی ایمن به یک رژیم غذایی مناسب و مغذی در یک محیط بهداشتی و خدمات بهداشتی مناسب همراه است تا از برخورداری از یک زندگی سالم و فعال برای همه اعضای خانوار اطمینان حاصل شود (۲۹). با بررسی غذا، محیط و مراقبت‌های مشترک، امنیت تغذیه در صورت عدم وجود امنیت غذایی حاصل نمی‌شود و بدین ترتیب بدون شک امنیت غذا و سلامت مواد غذایی پیوندی ناگسستنی دارند. تعریف «امنیت غذایی» همچنین شامل ایمنی مواد غذایی است که امروزه به عنوان پیوند اصلی بین غذا و بهداشت شناخته می‌شود. ایمنی مواد غذایی نیازمند کلیه اقدامات جهت حصول اطمینان از ایمنی غذا تا حد امکان است. در حقیقت، در راستای تلاش برای تأکید بر ایمنی غذا به عنوان عنصر مهم امنیت غذایی، فائو اصطلاحات «ایمن و مغذی» را به تعریف امنیت غذایی در اجلاس جهانی غذا در سال ۱۹۹۶ اضافه کرد (۳۱). از همین رو کمیسیون مقررات مواد غذایی (Codex) به عنوان تلاش مشترکی میان سازمان بهداشت جهانی سازمان ملل متحد و سازمان غذا و کشاورزی تأسیس شد. استانداردهای کدکس، متوجه کیفیت بهداشتی و تغذیه‌ای مواد غذایی است. همچنین در خصوص افزودنی‌های غذایی، باقیمانده آفت‌کش‌ها، آلاینده‌ها، برچسب‌گذاری بسته‌بندی‌های غذایی نیز دستورالعمل‌هایی را برای تعیین استاندارد در نظر گرفته است. اینجاست که امنیت غذایی به شدت با بذر، خاک، آب، مراعات اصول بهداشتی و سلامت در ارتباط است (۳۲).

برای درک بهتر ارتباط میان حق بر سلامت و حق بر غذا می‌توان به نظر عمومی شماره ۱۴ در خصوص ماده ۱۲ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی رجوع کرد: «حق بر سلامت، طیف گسترده‌ای از عوامل اقتصادی و اجتماعی را پوشش می‌دهد که موجد شرایطی هستند که در آن افراد می‌توانند سالم زندگی کنند و به عوامل اصلی سلامت مانند غذا و تغذیه، مسکن، دسترسی به آب سالم آشامیدنی و کافی، بهداشت، شرایط ایمن و سالم کار، دسترسی داشته باشند» (۳۳)، بدین طریق شاهد پیوند متقابل و به هم تنیده امنیت غذایی و حق بر سلامت هستیم.

اقتصادی و محیطی متفاوت است. بر اساس آخرین تعریف فائو، امنیت غذایی «وضعیتی است که همه افراد از نظر فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی به مواد غذایی کافی، ایمن و مغذی که نیازهای غذایی و اولویت‌های غذایی آنها را برای برخورداری از یک زندگی فعال و سالم برآورده می‌کند، دسترسی داشته باشند» (۲۷).

جامعه بین‌المللی سعی در تحقق حداقلی امنیت غذایی از رهگذر اهداف توسعه هزاره نمود و چالش‌های پیش روی دول عضو برای پیشرفت قابل توجه در زمینه کاهش فقر و گرسنگی ابتدا تا سال ۲۰۱۵ و سپس تا سال ۲۰۳۰ ذیل دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار که پایان‌دادن به گرسنگی، دستیابی به امنیت غذایی و تغذیه بهتر و ترویج کشاورزی پایدار را به عنوان دومین هدف مطرح کرده و می‌توان ارتباط تنگاتنگ این هدف را با اهداف ۱ (امحای فقر)، ۲ (امحای گرسنگی)، ۳ (سلامتی و رفاه شایسته)، ۱۳ (اقدام برای آب و هوا) و ۱۵ (زندگی بر روی زمین) دید تا حدودی روشن‌تر شد (۲۸).

امروزه فائو امنیت غذایی را با تحقق چهار بعد به طور همزمان، مطرح می‌کند: دسترسی فیزیکی به غذا، دسترسی اقتصادی به غذا، تأمین مواد مغذی مورد نیاز بدن توسط غذا و ثبات سه بعد قبلی در طول زمان (۲۹).

بعد امنیت غذایی حق بر غذا طی سال‌های متمادی دستخوش تغییرات بسیاری شده و از یک تعریف متمرکز بر تولید مواد غذایی به تعریفی که تا حد زیادی شامل تغذیه می‌شود، بدل گشت. در حقیقت در سال‌های بعد از برگزاری کنفرانس جهانی غذا در سال ۱۹۷۴، تمرکز بر سلامت عمومی بیشتر شد و همین امر باعث شد تا در اجلاس جهانی غذا در سال ۱۹۹۶ با تأکید بر لزوم تغذیه به عنوان پایه سلامت چنین بیان شود که: «زمانی که همه مردم، در هر زمان، از لحاظ فیزیکی و اقتصادی به مواد غذایی کافی، ایمن و مغذی دسترسی داشته باشند و بتوانند نیازهای غذایی و اولویت‌های غذایی‌شان را برای برخورداری از یک زندگی فعال و سالم برآورده سازند» می‌توان گفت که امنیت غذایی محقق شده است (۳۰).

تمرکز بر تأمین مواد مغذی مورد نیاز بدن از طریق غذا برای سلامتی، اساساً امنیت تغذیه را در امنیت غذایی ادغام می‌کند،

۴. توسعه مفهوم حق بر غذا از منظر حاکمیت غذایی: پیش از این بارها بر این مهم تأکید شد که هر کس حق دارد از حق بر غذا برخوردار باشد، در حالی که کنوانسیون‌های حقوق بشری در درجه نخست به حقوق افراد می‌پردازند، اما در عین حال حقوق «مردم» را نیز به رسمیت می‌شناسند. ماده ۱ مشترک میان میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، اصل تعیین سرنوشت را برای همه مردم به رسمیت شناخته است. پاراگراف ۲.۱ بیان می‌دارد: «همه مردم می‌توانند برای اهداف خود آزادانه از دارایی و منابع طبیعی خود بدون در نظر گرفتن هرگونه تعهدی ناشی از همکاری‌های اقتصادی بین‌المللی، بر اساس اصل منافع متقابل و حقوق بین‌الملل بهره‌مند شوند.» «در هیچ موردی نمی‌توان مردم را از معیشت خود محروم کرد.» غذا باید به عنوان یک «منبع طبیعی» و به علاوه به عنوان «معیشت» مهم تلقی شود. کنوانسیون‌های حقوق بشری عمدتاً فرد را به عنوان دارنده حق و دولت را به عنوان مکلف به تأمین حق معین می‌کنند. برای تحقق حق بر غذا نقش اساسی دولت این است که محیط را برای کشاورزان که تولیدکننده اصلی غذا هستند، تسهیل نماید و این تلاش‌ها در بخش ورودی به خوبی مدیریت شود. بنابراین دولت ملزم نیست که بخش تولید غذا را مستقیم بر عهده بگیرد، البته این امر حاکی از انکار نقش دولت در ارائه مستقیم کالا برای تحقق حق بر غذا در شرایط خاص نیست، بلکه این درک اساسی مد نظر است که مداخله همه‌جانبه دولت در تأمین غذا و ابزار تولید غذا اصلاح شود.

درک منشأ حد فاصل و محدودیت‌های تحقق حق بر غذا و قرارگرفتن حق مدافعان این مفهوم با توجه به گرسنگی در مناطق روستایی، برای درک زمینه ظهور مطالبات مبتنی بر حقوق توسعه جنبش‌های دهقانی بسیار مهم است. جنبش‌هایی که سرآغاز ایجاد مفهوم حاکمیت غذایی بودند. پاتل (Patel) درباره دشواری بازگ کردن مبانی تاریخی و مفهومی حاکمیت غذا اظهار می‌دارد: «این اصطلاح با گذشت زمان تغییر کرده است.» خواستگاه مفهوم حاکمیت غذا در بحث‌های علمی

مربوط به زمان نسبتاً اخیر است. تاریخچه کوتاهی که در درجه نخست در نتیجه اصلاحات ارضی و پاسخ کشاورزان کوچک‌مقیاس به سیستم صنعتی غذا ایجاد شد (۳۴). حاکمیت غذایی رویکرد رادیکال‌تری نسبت به وضع موجود و حق بر غذا دارد و به بازسازی دقیق جریان‌های قدرت که منابع را کنترل و توزیع می‌کنند، توجه خاصی نشان می‌دهد. رویکردی که حاکمیت غذا بر حق بر غذا دارد مبتنی بر تقویت اتکا به نفس اقشار آسیب‌پذیر است تا با در دست گرفتن سرنوشت خود، حق بر غذا را به صورت گسترده محقق سازند. به عقیده طرفداران این رویکرد، رویکردهای پیشین به حق بر غذا نه تنها قادر به تحقق این حق نبوده، بلکه با رویکردی از بالا به پایین ضمن کم کردن نقش جامعه متأثر و دچار گرسنگی و سوء‌تغذیه، موجبات ترویج گرسنگی، فقر و سوء‌تغذیه را نیز فراهم آورده است. بدین ترتیب طرفداران این رویکرد معتقدند که حق بر غذا را نمی‌توان به طور طولانی مدت از طریق کمک‌های خارجی تأمین کرد. بلکه این امر نیازمند کنترل محلی بر شیوه‌ها و سیاست‌ها است تا بتواند توانایی رشد یا خرید مقادیر پایدار مواد مغذی را برای افراد و خانوار تقویت کند (۳۵). مدافعان این رویکرد همچنین استدلال می‌کنند که حاکمیت غذا بدون احیای حق بشری حق بر غذا امکان‌پذیر نیست و این امر دلالت بر ظهور یک کلان‌روایت در قدرت و انتقال تصمیم‌گیری متمرکز دولت و سازمان‌های چندجانبه به جامعه و اقشار آسیب‌پذیر دارد.

در جریان بحران جهانی غذا در سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۸، حاکمیت غذا به دنبال جا به جایی مجدد مفاهیم و چارچوب‌های موجودی بود که منجر به استقلال، کنترل بر زمین، بذر و حقوق می‌شد. جنبش ویا کامپسینا به طور مداوم و بیش از دو دهه سعی در مستقر کردن چارچوب‌های جدید حقوق داشته تا ذیل مفهوم حاکمیت غذایی، حقوقی که کمتر بدان‌ها پرداخته می‌شد یا به طور کل نادیده گرفته می‌شد، مد نظر قرار گیرند. در این راستا از زایش حقوق جدید به صورت تصادفی و بدون تدبیر پرهیز شده است، چراکه درست است که متخصصان حقوق بشر مدت‌هاست که «ضرورت یک رویکرد

ظرفیت خود برای تولید غذاهای اساسی‌اش با در نظر گرفتن تنوع فرهنگی و تولیدی است. هر ملتی حق دارد غذای خود را در قلمرو خود به صورت پایدار تولید کند، بدین ترتیب حاکمیت غذایی پیش‌شرط امنیت غذایی است. در میان عناصر دیگر، این تعریف شامل دو بعد دیگر از حق بر غذا نیز هست: نخست، بعد فرهنگی از غذا را منعکس می‌کند که ضمن برجسته‌کردن عادات آشپزی فرد، بیانگر حق بر تنوع غذایی که حقی وابسته به حقوق فرهنگی می‌باشد، نیز هست؛ دوم اینکه، این تعریف دغدغه‌های کلی را در مورد اثرات زیست محیطی تولید مواد غذایی بیان می‌دارد.

تولید مواد غذایی یکی از محرک‌های اصلی تخریب محیط زیست و تغییر مکان‌های طبیعی است. این واقعیت مدت‌هاست که در زمره بحث‌های اساسی در مورد حقوق بشر و حفظ محیط زیست و منابع طبیعی قرار گرفته است. در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، انقلاب سبز و گسترش آبیاری، اصلاح نباتات، استفاده از کودهای شیمیایی و سموم دفع آفات باعث افزایش قابل توجه تولید مواد غذایی در سراسر جهان شد. با این وجود با از بین رفتن تنوع زیستی، فرسایش خاک و بیابان‌زایی و همچنین آلودگی حوضچه‌های آب منجر به تخریب حیات محیط زیست گردید. به همین ترتیب، انقلاب سبز به تشدید تنش‌های اجتماعی مربوط به منابع طبیعی به ویژه زمین، آب و بذر منجر شد، در حالی که هنوز بسیاری از موضوعات مهم در جامعه حقوق بشر مورد توجه قرار نگرفته، آخرین تحولات حقوق بین‌المللی به ویژه تصویب اعلامیه سازمان ملل متحد در مورد حقوق دهقانان و سایر افرادی که در مناطق روستایی کار می‌کنند (۳۷)، راهنمایی‌های مفیدی را به دولت‌ها و افراد بشری ارائه می‌دهند که همانا حاکمیت پایدار سیستم‌های غذایی، مطابق با معیارها و اصول حقوق بشری است که از آن با عنوان کشاورزی پایدار یاد می‌شود.

کشاورزی پایدار، به عنوان رهیافتی برای مدیریت و اجرای کشاورزی در جهت تحقق مفهوم حاکمیت غذایی بیان می‌دارد که با چه روش‌هایی می‌توان تولید مطلوب داشت، ضمن آنکه با کاهش مصرف نهاده‌های شیمیایی (کودها و سم‌های شیمیایی) تأثیر نامناسب کمتری بر محیط زیست وارد کرد،

پویا در حقوق بشر» را درک می‌کنند، اما رشد لجام‌گسیخته این حقوق را نیز به صلاح حقوق بشر نمی‌دانند. حقوق جدیدی که به واسطه حق بر غذا باید متولد می‌شدند و طی سال‌های متمادی مشارکت از پایین به بالا، زایش آن‌ها را همراه با مشروعیت ناگزیر می‌کرد، بحث‌برانگیز هستند، اما ورود آن‌ها در گفتمان‌های جدید حقوق بشری چندان هم بی‌پایه و اساس نبوده است. این حقوق که حق بنیادین بر غذای کافی مخرج مشترک تمام آن‌ها محسوب می‌شود، عبارتند از: پایداری تولید، حق بر آب، حق بر بذر، حق بر زمین، حق بر تنوع زیستی.

همانطور که پیش از این در خصوص تفسیر عمومی شماره ۱۲ ذکر شد، این تفسیر حق بر غذا را به این ترتیب تعریف می‌کند: «حق همه مردان، زنان و کودکان به دسترسی فیزیکی و اقتصادی به غذای کافی یا ابزار تهیه آن در تمام زمان‌ها، خواه به تنهایی و خواه در اجتماع با دیگران.» با توجه به این تعریف، حقوق مرتبط از یک طرف شامل حق دریافت درآمد کافی برای خرید یک سبد غذایی است که نیازهای غذایی فرد را برآورده سازد و در مورد افراد و جوامعی که خودشان غذای خود را تولید می‌کنند، حق بر غذا به طور غیر قابل تفکیکی با حق دسترسی به زمین، آب، بذر و سایر منابع تولید مواد غذایی و همچنین دانش و نوآوری‌های مرتبط با تولید مواد غذایی و تأسیسات ذخیره مواد غذایی پیوند خورده است.

تعریف مندرج در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از حق بر غذا توسط گزارشگران ویژه سازمان ملل متحد در مورد حق بر غذا توضیح داده شد. از منظر پایداری تعریف الیور دو شوتر (Olivier De Schutter)، گزارشگر سابق سازمان ملل در این خصوص از حق بر غذا اهمیت زیادی دارد: «حق بر غذا حقی است که هر فرد، به تنهایی یا در اجتماع با دیگران همواره دسترسی فیزیکی و اقتصادی به غذا داشته باشد. غذایی که به اندازه کافی بوده و به لحاظ فرهنگی قابل قبول باشد و به طور پایدار تولید و مصرف شود تا دسترسی به غذا را برای نسل‌های آینده حفظ کند» (۳۶)، بدین ترتیب حاکمیت غذایی حق هر ملتی برای حفظ و توسعه

نیازهای نسل‌های حال و آینده را به طور یکسان در نظر بگیرد، امری بدیهی است. حاکمیت سیستم‌های غذایی باید به ظرفیت محدود سیاره آگاه باشند و به آن احترام بگذارند. برای دستیابی به یک کلان‌روایت پایدار در مورد تحقق حق بر غذا، اتخاذ رویکرد تعاملی، مشارکتی و از پایین به بالا ضروری می‌نماید. به همین دلیل است که برای هرچه مترقی‌تر و دموکراتیزه‌کردن تحقق حق بر غذا، رویکرد پیشرو «حاکمیت غذایی» با تحقق تمام شؤن امنیت غذایی می‌تواند کلان‌روایت مناسبی از مفهوم حق بر غذا باشد.

مشارکت نویسندگان

هانیه مغانی: جمع‌آوری مطالب و تدوین مقاله.
علیرضا ظاهری و حسین شریفی طرازکوهی: ارائه ایده و موضوع، معرفی منابع.
نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

بدین ترتیب از طریق اتخاذ رویکرد پایداری در کشاورزی می‌توان انتظار داشت نیازهای غذایی بشر امروز بدون به خطرانداختن نیازهای غذایی بشر در آینده تأمین شود. ذکر این نکته نیز خالی از لطف نیست که از ویژگی‌های بارز کشاورزی پایدار، مردم‌محوری بودن آن است. بهره‌گیری از دانش بومی مردمان بومی و جوامع محلی آن هم با رضایت آزادانه و آگاهانه پیشین آن‌ها و همچنین تلاش برای حفظ این دانش بومی و تلفیق آن با تکنولوژی‌های روزآمد پایدار از ویژگی‌های اساسی نظام کشاورزی پایدار است، ضمن اینکه در این میان تسهیم سود عادلانه با گروداران محلی که همواره به دلیل به حاشیه رانده شدن نتوانسته‌اند از حقوق معنوی خود دفاع کنند، مطرح می‌شود.

نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین چالش‌های بشریت در قرن بیست و یکم، یافتن راه‌هایی برای تغذیه مردم جهان در عین تضمین ظرفیت مداوم سیاره زمین برای تولید مواد غذایی برای همه است. در این راستا، اجماع رو به رشدی مبنی بر لزوم یافتن راه‌هایی برای تغذیه جمعیت نسل کنونی و آینده با توجه به ظرفیت محدود کره زمین از طریق تغییر مسیر سیاست‌های غذایی و مقررات مرتبط و تجدید نظر در سیستم‌های غذایی کنونی به وجود آمده است. روابط پیچیده بین تولید غذا، تجارت، تأثیرات زیست محیطی، عدالت اجتماعی و رفاه انسان در سطح محلی، ملی و بین‌المللی وجود دارد، از همین رو است که مفهوم پایداری تولید مواد غذایی پدید آمده است. مفهوم پایداری تولید غذا بر اصول کلی پایه‌ریزی شده‌اند که زیربنای مفهوم توسعه پایدار، به ویژه دموکراتیزه‌شدن بهره‌برداری از منابع طبیعی و حقوق بین‌نسلی و رعایت موازین حقوق بشر هستند. در این میان، تعدادی استانداردهای بین‌المللی حقوق بشری وجود دارد که هنگام تدوین چارچوب‌های هنجاری و سیاسی حاکم بر سیستم‌های غذایی باید توسط قانونگذاران و سیاستگذاران در نظر گرفته شوند. با استناد به اصل توسعه پایدار، این مسأله که تولید و مصرف جهانی مواد غذایی باید

References

1. The Universal Declaration of Human Rights (UDHR). 1948.
2. Chong D. Economic rights and extreme poverty. Edited by Clifford B. Philadelphia: University of Pennsylvania Press; 2010.
3. Steiner H, Alston PH, Goodman R. International Human Rights in Context: Law, Politics, Morals. 3rd ed. New York: Oxford University Press; 2008. p.269.
4. Rimlinger G. Capitalism and human rights. *Daedalus*. Fall. 1983; 112(4): 51-79.
5. Eide A, Arne O, Wenche B. Food security and the right to food in international law and development, *Transnational Law and Contemporary Problems*. Iowa: University of Iowa; 1991.
6. III Geneva Convention relative to the Treatment of Prisoners of War. 1949.
7. IV Geneva Convention Relative to The Protection of Civilian Persons in Time of War. 1949.
8. Protocol Additional to the Geneva Conventions. 1949.
9. Convention relating to the Status of Refugees. 1951.
10. Convention relating to the Status of Stateless Persons. 1954.
11. The Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women (CEDAW). 1979.
12. Rome Statute of the International Criminal Court. 1998.
13. United Nations Convention on the Rights of the Child. 1989.
14. The Convention on the Rights of Persons with Disabilities (CRPD). 2007.
15. Eide A. The Right to an Adequate Standard of Living Including the Right to Food. Edited by Eide A, Krause C, Rosas A. 2nd ed. Netherlands: Martinus Nijhoff; 2001.
16. The International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (ICESCR). 1966.
17. The Optional Protocol to the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (OP-ICESCR). 2008.
18. Resolution adopted by the UN General Assembly, Countries stricken by desertification and drought. 1985.
19. United Nations Guidelines for Consumer Protection. 1999.
20. The United States Consumer Bill of Rights. 1962.
21. Ziegler J, Golay C, Mahon C, Way SA. The Fight for the Right to Food; Lessons Learned International Relations Development Series. Geneva: Palgrave Macmillan; 2011.
22. Araghi F. Global depeasantization 1945-1990. *Sociological Quarterly*. 1995; 36(2): 337-368. [Persian]
23. Künnemann R, Sandra R. The Right to Food: A Resource Manual for NGOs. Geneva: Huridocs; 2004.
24. Pottier J. Anthropology of food: The social dynamics of food security. Cambridge: Polity Press; 1999.
25. Simmonds N, Smartt J. Principles of crop improvement. 2nd ed. New Jersey: Wiley-Blackwell; 1999.
26. Food and Agriculture Organization. Trade reforms and food security: Conceptualizing the linkages. Rome: FAO; 2003.
27. Food and Agriculture Organization. The state of food insecurity in the world 2001. Rome: FAO; 2002.
28. Food and Agriculture Organization Report. Human Security & Food Security. Rome: FAO; 2015.
29. Food and Agriculture Organization. Food security information for action practical guides: An introduction to the basic concepts of food security. Rome: FAO; 2008.
30. Food and Agriculture Organization of the United Nations. Report of the World Food Summit, 13-17 November 1996. Rome: FAO; 1996.
31. Andersen PP. Food security: Definition and measurement. *Food Security*. 2009; 1(1): 5-7.
32. Ahiadeke C. Breast-feeding, diarrhoea and sanitation as components of infant and child health: A study of large scale survey data from Ghana and Nigeria. *J Biosoc Sci*. 2000; 32(1): 47-61.
33. UN Committee on Economic, Social and Cultural Rights (CESCR). The Substantive Issues Arising in the Implementation of the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights. General Comment No.14. The right to the highest attainable standard of health, 11 Aug 2000. E/C.12/2000/4. 2000. para.4.
34. Patel R. What does food sovereignty look like? *Journal of Peasant Studies*. 2009; 36(3): 663-706.
35. Anderson M. Rights-based food systems and the goals of food systems reform. *Agriculture and Human Values*. 2008; 25(4): 593-608.

36. De Schutter O. WTO Defending an Outdated Vision of Food Security- UN Food Expert Responds to Pascal Lamy. United Nations Human Rights. Geneva: Office of the High Commissioner for Human Rights; 2011. p.23-47.

37. UN General Assembly. Declaration on the Rights of Peasants and Other People Working in Rural Areas. 2018.